

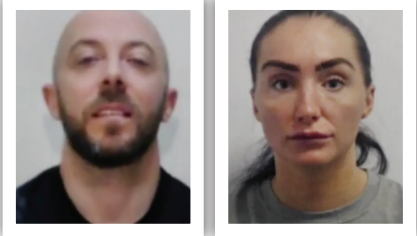


پسر ۸ ساله؛ فرشته نجات ۳ بیمار

اعضای بدن پسر ۸ساله‌ای که بر اثر حادثه دچار مرگ مغزی شده بود نجات‌بخش ۳ بیمار شد. این کودک اهل میانه که طاهر حسین‌جانی نام داشت چند روز قبل دچار مرگ مغزی شد و خانواده‌اش با اهدای اعضای بدن او موافقت کردند. به این ترتیب کبد و کلیه‌های او به ۳ بیمار نیازمند عضو اهدا شد.

آن سوی مرز

پلیس زن همدست قاتل حبس ابدی شد



زن پلیس بعد از ازدواج مخفیانه با یک قاتل حبس ابدی به او در انجام اقدامات جنایتکارانه‌اش کمک می کرد. به گزارش همشهری به نقل از بی‌بی‌سی، در ماه مارس ۲۰۱۸، استغفانی همیس وقتی به‌عنوان افسر زندان در لنکاو انگلیس کار می کرد، به لئون رامسندن که به اتهام قتل در حال گذراندن حبس ابد بود، علاقه‌مند شد. لئون در سال ۲۰۱۰ بعد از قتل مردی ۲۱ساله در یک کافه به حبس ابد محکوم و به زندان منتقل شده بود. از سوی دیگر، استغفانی به‌عنوان پلیس منچستر مشغول کار بود و این دو پس از ازدواج مخفیانه، فعالیت‌های مجرمانه‌شان را آغاز کردند.

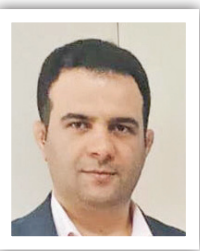
استغفانی اغلب در زندان لئون را ملاقات می کرد و با استفاده از تلفن همراهی غیرقانونی که برایش تهیه کرده بود، با او تماس می گرفت. او در این تماس‌ها اطلاعات حساس پلیس را با شوهرش در میان می گذاشت، اطلاعات مهمی از اشراف پلیس بر باندهای قاچاق مواد مخدر که باعث می شد لئون که از داخل زندان یک باند قاچاق مواد مخدر را هدایت می کرد، به راحتی بتواند از عمر که‌ها بگریزد و فعالیتش را توسعه دهد.

روابط مخفیانه این زوج ادامه داشت تا اینکه واحد مبارزه با فساد پلیس منچستر، از ارتباط استغفانی با لئون مطلع شد و در سپتامبر همان سال، تحقیقاتی را در مورد استغفانی آغاز کرد.

کارآگاهان در بررسی‌های خود متوجه شدند که استغفانی با یک گروه سازمان یافته که در زمینه پولشویی، خرید و فروش مواد مخدر و سرقت فعالیت دارد، همکاری می کند. همچنین مأموران متوجه شدند که این باندهای مخوف از سوی لئون که در داخل زندان بود هدایت می‌شود. بررسی‌ها همچنین نشان داد که استغفانی حتی در حین انجام وظیفه، یک مظنون تحت تعقیب را دستگیر نکرده بود؛ چرا که او از همکاران همسرش بود. بدین ترتیب استغفانی در ژانویه ۲۰۲۰ دستگیر شد و از پلیس استعفا کرد. او در بازجویی‌ها به سوء استفاده از موقعیتش برای انجام اقدامات مجرمانه اعتراف کرد. همچنین او به تشویق و کمک به ارتکاب جرم متهم شد. استغفانی روز پنجشنبه گذشته از سوی دادگاه به ۴سال و ۳ماه زندان محکوم شد.

دانستنی‌های حقوقی

مجازات تصادف ساختگی چیست؟



تصادف ساختگی در حقیقت باهدف دریافت خسارت از شرکت‌های بیمه و یا اخاذی از راننده‌ها انجام می‌شود و یک روش درآمدزایی برای مجرمان است. اما در صورت دستگیری این افراد، آنها با چه مجازاتی روبرو خواهند شد؟ سید مسعود موسوی، وکیل پایه یک دادگستری می‌گوید: در تصادف ساختگی، افراد به‌صورت انفرادی یا در قالبی باند در نقاط مختلف شهر یا بیرون از شهر با آموزش‌هایی که دیده‌اند و با تبحری که دارند، خود را عمداً جلوسوی خودروها به‌ویژه خودروهای گران‌قیمت می‌اندازند تا منجر به جراحات جزئی آنها شود و بتوانند دیه و خسارت مالی از راننده خودروها و بیمه دریافت کنند.

او می‌افزاید: البته کارشناسان بیمه و مرجع پزشکی قانونی به‌راحتی اجازه دریافت خسارت مالی و یا دیه را از بیمه صادر نمی‌کنند. از این‌رو افراد سودجو تلاش می‌کنند پس از صحنه‌سازی و تصادف ساختگی با ایجاد مهایب و برهم ریختن جو محیط، راننده و وسیله نقلیه را مجاب یا مجبور به پرداخت وجه نقد به‌عنوان خسارت وارد شده به آنها کنند.

موسوی می‌افزاید: گاهی هم تصادفات ساختگی بین ۲ خودرو و یا بین موتورسیکلت و خودرو اتفاق می‌افتد. یعنی تبهکاران طوری صحنه‌سازی می‌کنند که راننده خودرو و یا موتورسیکلت با صحنه زنی و اقدامی که انجام می‌دهد منجر به تصادف با خودرو و یا موتورسیکلت دیگری شود تا بتوانند با این روش و با مقصر اعلام کردن طرف مقابل خسارت و دیه را از راننده مقصر و یا بیمه دریافت کنند.

موسوی با اشاره به مجازات تصادف ساختگی و صحنه‌زنی می‌گوید: صحنه‌زنان در صورت اثبات جرم طبق ماده ۶۱ قانون بیمه اجباری خسارت، به حبس تعزیری درجه ۶ در قانون مجازات اسلامی و پرداخت جزای نقدی معادل ۲ برابر وجه دریافتی محکوم می‌شوند. براساس قانون حبس بیشتر از ۶ماه تا ۲سال، جزای نقدی بیشتر از ۲۰۰ میلیون ریال تا ۵۰۰ میلیون ریال، شلاق تعزیری ۳۱ تا ۹۹ ضربه، محرومیت از حقوق اجتماعی بیشتر از ۶ماه تا ۵سال و انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها.



بخشش ۲ قاتل ۱۱سال پس از جنایت

۲مرد که در جریان یک جنایت زنی را به قتل رسانده و هر دو به قصاص محکوم شده بودند پس از ۱۱سال از سوی اولیای دم بخشیده شدند. این قتل سال ۹۲ در شهرستان نقده در استان آذربایجان غربی اتفاق افتاد و هر دو متهم پس از دستگیری به قصاص محکوم شدند. با وجود این اولیای دم پس از ۱۱سال آنها را بخشیدند.

از ابتدای امسال تاکنون ۵کودک در نقاط مختلف کشور گم شده‌اند

سرنوشت متفاوت ۵کودک گمشده

گزارش محمدجعفری روزنامه‌نگار

از ابتدای امسال در حوادثی جداگانه ۵کودک در نقاط مختلف کشور گم شده‌اند که هر کدام سرنوشت متفاوتی پیدا کرده‌اند. در آخرین حادثه، با ناپدید شدن پسر بچه ۴ساله سیرجانی در جنگل ناهارخوران گرگان، جست‌وجو برای یافتن ردی از او ادامه دارد.

به گزارش همشهری، آخرین کودکی که مفقود شده کودکی ۴ساله اهل سیرجان است که در منطقه ناهارخوران استان گلستان مفقود شده و تلاش‌ها برای یافتن او تاکنون به جایی نرسیده‌است. این کودک از چندروز قبل همراه خانواده‌اش برای شرکت در جشن عروسی یکی از اقوام‌شان به شمال کشور سفر کرده بود. اعضای این خانواده روز جمعه برای تفریح به منطقه ناهارخوران رفتند. در محلی خلوت



از جنگل، والدین کودک در حال جمع‌آوری میز و برپا کردن آتش بودند و پسر بچه نیز بازی می‌کرد که ناگهان متوجه شدند کودک مفقود شده است. آنها همان موقع شروع به

ندیده بود و معلوم نبود که او به چه سرنوشتی دچار شده است. وقتی ساعتی از گم شدن پسر بچه گذشت و جست‌وجوها به نتیجه مشخصی نرسید، پای امدادگران هلال‌احمر به این ماجرا باز شد. از آن زمان بود که ۱۸نیرو و قالب ۶ تیم عملیاتی شامل یک تیم کارشناسی و ارزیابی، تیم واکنش سریع، یک تیم سنگ‌های تجسس و... با استفاده از ۵خودروی امدادی و کمک‌دار و موتورسیکلت جست‌وجوهایشان را در منطقه آغاز کردند. امدادگران با بررسی نقشه منطقه همه مناطقی را که ممکن بود پسر بچه در آنجا حضور داشته باشد، جست‌وجو کردند، اما تا عصر دیروز (شنبه) نتوانستند ردی از او پیدا کنند و تلاش‌ها برای پیدا کردن کودک گمشده ادامه دارد. این در حالی است که مردم گرگان نیز با فراخوان در شبکه‌های اجتماعی، برای یافتن ردی از کودک گمشده وارد عمل شده‌اند و جست‌وجو برای پیدا کردن او ادامه دارد.

سرنوشت نامعلوم آراین



بیشتر از یک هفته از مفقود شدن پسر بچه‌ای ۴ساله آراین در پارک شهر نقده در شهرستان نقده می‌گذرد و هنوز هیچ ردی از او به‌دست نیامده و خانواده‌اش با نگرانی به جست‌وجوهای یافتن او ادامه می‌دهند.

ماجرا از این قرار بود که عصر جمعه ۸تبر پدر آراین همراه با ۳فرزندش راهی پارک شهر شد. فرزندان او پسر ۴ساله آراین، پسر ۸ساله به نام آر یا و دوقلوها ۵ساله‌اش به نام آرین و آرمین می‌شوند. دوقلوها به سمت وسایل بازی رفتند و شروع به بازی کردند. چند دقیقه بعد وقتی آرمین از سرسره روی زمین افتاد، پدرش رفت تا او را بلند کند. اما بعد از آن دیگر خبری از آراین نبود. او چند مرتبه پرسش‌ها را صدا کرد، اما جوابی نشنید. پدر مشخصات لباسی که بر تن آراین بود را به همه داد و مردم هم برای پیدا کردن پسر بچه دست به کار شدند، اما هیچ کس نتوانست او را پیدا کند.

اطلاع پدر آراین، تحقیقات پلیس برای پیدا کردن پسر بچه آغاز شد. بازبینی تصاویر دوربین‌های مدار بسته نشان می‌داد که کودک به سمتی از پارک در حال حرکت است و پدر سنی معلوم نبود که او به کجا می‌رود. از آن روز تاکنون با وجود تلاش‌های گسترده پلیس و خانواده آراین هیچ ردی از او به‌دست نیامده و خانواده پسر بچه را انتشار تصاویری از او از شهروندان درخواست کرده‌اند برای پیدا شدن فرزندان به آنها کمک کنند.

نجات کودک بیخ‌زده



در حادثه‌ای دیگر که در استان فارس اتفاق افتاد، پسر بچه ۲ساله‌ای به طرز عجیبی ناپدید شد. اما ۲۴ساعت بعد در شرایطی که بی‌خ‌زده بود توسط امدادگران پیدا شد

و در نهایت نجات یافت. ماجرا از این قرار بود که اواخر فروردین ماه امیرمحمد همراه پدرش به دامنه کوه‌های شهرستان نیریز واقع در استان فارس رفته بود. آنها شب را آنجا خوابیدند، اما صبح روز بعد وقتی پدرش بیدار شد، امیرعلی نبود. او هر چه پرسش را صدا کرد، جوابی نشنید و سراسیمه همه‌جا را با مفقود شده بود. تیم‌های مختلفی از پلیس، هلال‌احمر و روستاییان تلاش‌هایشان را برای پیدا کردن کودک گمشده آغاز کردند. ۲۰۰تفر برای پیدا کردن او بسیج شدند و ۲۴ساعت همه‌جا را جست‌وجو کردند. آن شب هوا سردتر از قبل بود و همین باعث شد که پدر و مادر امیرمحمد بیشتر نگران او شوند. جست‌وجوها ادامه یافت تا اینکه یکی از روستاییان رد پای در کوه دید و با دنبال کردن آن امیرمحمد را که روی تخته سنگی از کشیده بود و یک لنگه کشش را زیر سرش گذاشته بود، پیدا کردند. کودک بدنش از سرما بیخ‌زده و بی‌حال بود، اما توسط روستاییان به مرکز درمانی منتقل شد و به طرز معجزه‌آسایی از مرگ نجات پیدا کرد.

یک روز سرگردانی پسر ۳ساله

«پسر بچه ۳ساله‌ام هنگامی که در کوچه‌مان واقع در خیابان مختاری بازی می‌کرد، خیلی ناگهانی ناپدید شده است. همسایه‌ها می‌گویند زن و مرد موتورسواری او را ربوده‌اند.» روز سیزدهم خردادماه امسال زن و مردی نزد پلیس رفتند و با بیان جزئیات حادثه‌ای که برای فرزندشان رخ داده بود از مأموران کمک خواستند. به‌دنبال این شکایت بود که مأموران به بررسی تصاویر دوربین‌های مدار بسته محل

احتمال قتل‌های تازه در پرونده آدمکش‌های اجاره‌ای

دادسرا

«برای قتل همسر ۱۲آدمکش استخدام کردم، اما وقتی به توانایی‌شان شک کردم، آنها اطمینان دادند که قاتلان سریالی هستند و افراد دیگری را هم به قتل رسانده‌اند.»

این تازه‌ترین اعترافات کارمند بانکی است که برای قتل همسرش ۲مرد افغان را اجیر کرده بود. با اظهارات جدید این مرد و به دست آمدن عکسی از گوشی قاتلان اجیر شده این فرضیه که شاید آدم‌کش‌های دستگیر شده قاتلان سریالی باشند مد نظر قرار گرفته است. به گزارش همشهری، ۲۵بهمن سال گذشته و به‌دنبال پیدا شدن جسد زنی میانسال در اتاق خواب خانه‌اش در طبقه اول ساختمانی در پایتخت، تحقیقات پلیس برای کشف راز این جنایت آغاز شد.

مقتول به همراه همسر و ۳فرزندش در آن ساختمان زندگی می‌کردند، اما در زمان جنایت هیچ‌یک از اعضای خانواده در خانه حضور نداشتند. کارآگاهان در بررسی‌های تخصصی به شوهر مقتول مشکوک شدند، چرا که بررسی‌ها نشان می‌داد این زوج از سال‌ها قبل با هم اختلاف داشته‌اند، طوری که یکبار طلاق گرفته بودند، اما مدتی بعد

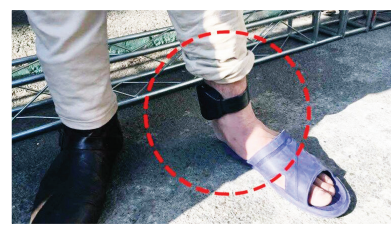


بازجویی‌ها اسرار قتل همسرش را فاش کرد. او گفت: من همه زندگی‌ام را به نام همسرم کرده بودم، اما او حاضر نمی‌شد بخشی از اموال را بر گرداند. همین باعث اختلاف ما شده بود و یک سالی می‌شد که تصمیم به قتل او گرفته بودم. وی افزود: ابتدا تصمیم داشتم خودم قرص بخرم و نقشه قتل او را اجرا کنم، اما ترسیدم لو بروم. برای همین، به‌دنبال آدم‌کشی اجاره‌ای گشتم تا اینکه ۳ماه قبل موفق شدم از طریق یکی از دوستانم ۲مرد خلافکار پیدا کنم. با آنها چند مرتبه قرار گذاشتم و درباره اجرای نقشه صحبت کردیم. قرار شد مبلغ ۳۰میلیون تومان به آنها بدهم و آدمکشان پس از قتل همسرم، همه طلاهای او را هم که حدود ۴۰۰میلیون تومان می‌شد، برای خود بردارند. به این ترتیب، آدم‌کش‌های اجاره‌ای نقشه قتل را اجرا کردند، اما تصور نمی‌کردم که پلیس به من مشکوک شود.

به‌دنبال اظهارات مرد جوان، قاتلان اجاره‌ای نیز دستگیر شدند و به قتل زن میانسال اعتراف کردند. تحقیقات از متهمان ادامه داشت تا اینکه چند روز پیش، همسر مقتول که برای بازپرسی به دادسرای جنایی تهران منتقل شده بود، اظهارات تازه‌ای را نزد قاضی موسی رضازاده، بازپرس جنایی تهران مطرح

داخلی

در تعقیب قاتلی با پابند الکترونیکی



درگیری و کری‌خوانی دو جوان در کافه رستورانی در شمال غرب پایتخت، پایان تلخی داشت و به جنایت منجر شد. به گزارش همشهری، بامداد دیروز به قاضی محسن اختیاری بازپرس جنایی تهران خبر رسید که مردی جوان در جریان یک درگیری به قتل رسیده‌است. محل درگیری، کافه رستورانی در شمال غرب تهران بود و تیم جنایی برای بررسی موضوع راهی محل حادثه شد. بررسی‌های اولیه حکایت از این داشت که مقتول به‌عنوان پرسنل حفاظت در رستوران‌ها مشغول به کار بود. وظیفه‌اش این بود که اگر مزاحمت یا درگیری در رستوران صورت می‌گرفت، با میانجیگری به دعوا خاتمه دهد. آنطور که شاهدان می‌گفتند قاتل هم مانند مقتول مسئولیت حفاظت در رستوران‌ها را بر عهده داشت و هر دو هم‌کد یکدیگر بودند. در ادامه معلوم شد که قاتل و مقتول از مدت‌ها قبل با یکدیگر دچار اختلاف شده بودند و برای یکدیگر کری می‌خواندند. تا اینکه شب حادثه دوستان آنها تصمیم گرفتند این دورا آشتی دهند و برای همین با مقتول تماس گرفتند و از او خواستند، خودش را به رستورانی که قاتل در آنجا کار می‌کرد برساند تا به اختلافات آنها خاتمه دهند. مقتول خودش را به رستوران رساند اما قاتل به محض دیدن او با او بحثش شد و بین آنها درگیری رخ داد. در این میان مقتول که قبل، احتمال درگیری داده و با خودش چوب بیسیم آورده بود، ضربه‌ای به قاتل زد. قاتل نیز نتوانست خشمش را کنترل کند و با قمه ضربه‌ای به مقتول زد و وقتی او خون آلود روی زمین افتاد، از ترسش فریاد زد. در ادامه تحقیقات همچنین مشخص شد که عامل جنایت از اشرار و مجرمان سابقه‌دار بوده است. آنطور که شاهدان می‌گفتند، وی زمان حادثه پابند الکترونیکی به پایش داشته و این نشان می‌داد که او بارها به زندان رفته است. تحقیقات تکمیلی نشان داد که عامل جنایت پیش از این ۸مرتبه به اتهام سرقت بازداشت شده و در حالی که دوران محکومیتش را سپری می‌کرد، با سیردن وثیقه و پابند الکترونیکی از زندان آزاد شده بود. بااین اطلاعات جست‌وجو و صد کارآگاهان پلیس آگاهی تهران، برای بازداشت قاتل فراری آغاز شده است.

توطئه خانوادگی برای قتل پدر



زن جوان و پسرش در توطئه‌ای شوم، نقشه قتل پدر خانواده را طراحی و با همدستی مردی آشنا اجرا کردند. به گزارش همشهری، چند روز پیش و به‌دنبال پیدا شدن جسد مردی در منطقه کندور در جاده چالوس، تحقیقات پلیس آگاهی استان البرز برای کشف راز این جنایت آغاز شد. مقتول مردی حدوداً ۴۰ساله بود که بر اثر شلیک گلوله به سرش به قتل رسیده بود.

هر چند هیچ مدرک شناسایی همراهی این مرد نبود، اما در ادامه تحقیقات معلوم شد که برادر مقتول برامجه به پلیس، ناپدید شدن وی را گزارش کرده است. به این ترتیب هویت مقتول فاش شد و مأموران برای به‌دست آوردن اطلاعات بیشتر به تحقیق از برادر او پرداختند.

در مرد گفت: برادرم (مقتول) به همراه همسر و پسرش در کرج زندگی می‌کردند. او چند روز قبل به زادگاهمان در غرب کشور رفت و پس از چند روز در حالی که پسرش و دوست خانوادگی‌شان همراه او بودند به کرج برگشت اما پس از آن ناپدید شد. حتی وقتی به سراغ پسر و همسرش رفتم، آنها نیز مدعی شدند که از او خبر ندارند و نمی‌دانند چه اتفاقی برایش افتاده است.

با اظهارات این مرد، مأموران به سراغ پسر مقتول رفتند و این نوجوان ۱۷ساله وقتی تحت بازجویی قرار گرفت، اسرار قتل پدرش را فاش کرد. او گفت: من و مادرم اختلافات زیادی با پدرم داشتیم و برای همین نقشه قتل او را کشیدیم. برای اجرای این نقشه از دوست خانوادگی‌مان کمک گرفتیم. به این ترتیب، وقتی من و پدرم به همراه دوست خانوادگی‌مان در حال بازگشت از غرب کشور به کرج بودیم، در محلی گلوله، پدرم را به قتل رساند و جسدش را در جاده چالوس رها کردیم.

با اعترافات پسر ۱۷ساله، دستور بازداشت ۲متهم دیگر پرونده نیز صادر شد و کارآگاهان در یک عملیات ضربتی آنها را دستگیر کردند.

عامل اصلی جنایت که دوست خانوادگی متهمان است در بازجویی به شلیک گلوله و قتل مرد ۴۰ساله اعتراف کرد و به‌گفته سرهنگ حکمت‌الله شجاعی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز، با اعترافات متهمان، برای آنها قرار قانونی صادر شد و تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.